



انقرآن به فارسی

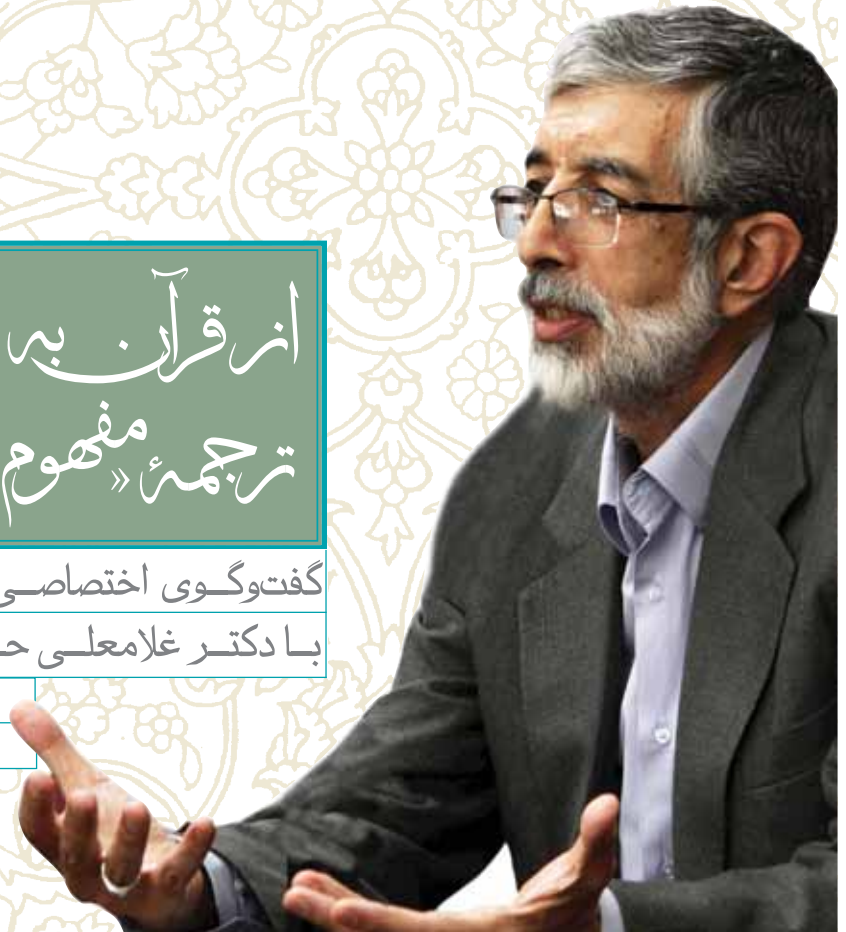
ترجمه «مفهوم به مفهوم» کریم

گفت‌وگوی اختصاصی مجله رشد آموزش قرآن

با دکتر غلامعلی حداد عادل، مترجم قرآن کریم

دکتر علی نجار پوریان

رمضانعلی ابراهیم گرجی



اشاره

دکتر غلامعلی حداد عادل نیازی به معرفی ندارد. ایشان علاوه بر تمام فعالیت‌های فرهنگی، رئیس فرهنگستان ادب فارسی نیز هستند. کتاب‌های آموزش قرآن ایشان نیز بیش از ده سال در مدارس تدریس شده است. ترجمه‌ای فارسی از قرآن کریم در زمره کارهای جدید ایشان است که به زبور طبع آراسته شده است. به این بهانه، مجله رشد آموزش قرآن کریم مصاحبه مختصری با دکتر حداد عادل انجام داده است که به نظر شما می‌رسد. تهیه ترجمه قرآن ایشان را برای کتابخانه‌های مدارس توصیه می‌کنیم.

● جناب دکتر حداد عادل! برای فرصتی که در اختیار ما قرار دادید تا درباره چاپ ترجمه شما از قرآن کریم گفت‌وگو کنیم، از شما سپاس گزاریم.

● ضرورت و انگیزه حضرت‌عالی از ترجمه قرآن، با وجود ترجمه‌های متعدد فارسی، چه بوده است؟

○ انگیزه اصلی و به عبارت بهتر تنها انگیزه بنده از اقدام به ترجمه قرآن این بود که فارسی‌زبان‌هایی که عربی نمی‌دانند، بتوانند معانی قرآن کریم را بفهمند. قرآن در ایران همیشه خوانده می‌شود، اما فقط کسانی از مقصود متن آن باخبر

می‌شوند که عربی می‌دانند. عامه مردم، یعنی افرادی که به زبان عربی مسلط نبودند، از معانی قرآن آگاه نمی‌شدند. قاریان قرآن - که سعی‌شان مشکور! - قرآن را با صوت زیبا و سبک‌ها و لحن‌های متنوع تلاوت می‌کنند و مردم هم در جلسات آن‌ها ساکت می‌نشینند و به تلاوت قرآن گوش می‌کنند. کسی نمی‌پرسد معنی فارسی این آیاتی که خوانده شد، چه بود؟ خداوند می‌خواهد به بندگان خود چه بگوید؟ گویی نوعی توافق اعلام نشده برای سکوت در این باب وجود دارد! نه خواننده از شنونده می‌پرسد که چه فهمیدی؟ و نه شنونده از خواننده سؤال می‌کند که معنای این آیات چه بود؟ در واقع تلاوت قرآن و الفاظ و عبارات قرآن در جامعه ما حضور گسترده دارد، اما معانی و مفاهیم و معارف و حقایق قرآنی غایب است و ما از این جهت مصداق این آیه قرآنییم که «یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجورا» [قرآن / ۳۰].

دوری از قرآن سبب ضعف اعتقاد و نیز باعث می‌شود که گفتمان حاکم بر فضای جامعه ما قرآنی نباشد و اگر چنین شود، یعنی گفتمان دینی گفتمان قرآنی نباشد، راه برای ورود چیزهای دیگری به جای قرآن باز می‌شود.

باید از قرآن به سوی ذهن و دل جوانان راهی باز کنیم. گشودن این راه مستلزم داشتن ترجمه‌ای است فارسی،

دل‌پسند، روان، به نثر امروز و در همان حال دقیق و وفادار به متن اصلی؛ ترجمه‌ای که بتوانیم آن را در جلسات رسمی، در دانشگاه‌ها، مدارس، مؤسسات و مساجد، بعد از تلاوت اصل آیات، بخوانیم.

● شما به عنوان مترجم و چهره ادبی در سطح جمهوری اسلامی ایران، شاخص‌ها و استانداردهای ترجمه مطلوب قرآن را چه می‌دانید؟ به تعبیر دیگر، شرایط اختصاصی و عمومی مترجم قرآن چیست؟

○ اصلاً ترجمه کار دشواری است و ترجمه متون اصیل کاری دشوارتر. ترجمه متنی اصیل و مقدس مانند قرآن کریم که وحی خداوندی و معجزه است و معجزه دیانت اسلام، از آن هم دشوارتر است و نمی‌توان گفت مترجم می‌تواند یک‌بار برای همیشه به استانداردهای مطلوب در ترجمه قرآن کریم دست یابد.

ترجمه قرآن در ایران، تا قبل از چند دهه اخیر، بیشتر تحت‌اللفظی بود و غالباً کلمات ترجمه می‌شد تا عبارات. ساخت عبارات در ترجمه فارسی، تابع ساخت عبارات عربی بود. به همین علت، ترجمه قرآن هیچ‌وقت در جامعه ما به عنوان متنی فارسی رواج پیدا نکرد. شاید تنها فایده ترجمه‌ها این بود که اگر کسی معنای کلمه‌ای را نمی‌دانست، از این ترجمه‌ها به آن معنا دست می‌یافت. در واقع، ترجمه‌های قدیم قرآن، بیشتر قاموس قرآن به فارسی بودند تا ترجمه‌ای روان.

در چند دهه اخیر، با شروع کار مرحوم آیت‌الله قمشاهی، در ترجمه قرآن به فارسی تحولی به وقوع پیوست. این تحول سرآغاز راهی شد که نزدیک به ۴۰ مترجم هم‌دوره در آن راه قدم نهادند. ۳۰ نفر از این تعداد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به ترجمه قرآن کریم اهتمام کردند. همه این عده کوشیدند ضمن حفظ مطابقت با معنا و مطابقت با متن، قرآن را به نثر فارسی امروز ترجمه کنند. این قدم، مبارک و مثبت به حساب می‌آید. ترجمه به زبان فارسی در این چند دهه اخیر، سیری تکاملی را طی کرده و هر مترجمی، قدری از راه را پیموده است. بنده هم کوشیده‌ام در ادامه این راه، ترجمه‌ای از قرآن به‌دست دهم که به نثر معیار امروزی و فصیح، روشن، روان و خوش‌آهنگ باشد، طوری که وقتی خواننده فارسی زبان آن را می‌خواند، در عبارات، دشواری و ناهمگونی و پستی و بلندی احساس نکند و با متنی روان و ادیبانه سروکار داشته باشد. به‌طور کلی کوشیدم ترجمه‌ای به‌دست دهم که اگر در محافل و مجالس خوانده شد، از نظر زبان فارسی، قابل قبول و دل‌نشین باشد.

● در واقع، ترجمه شما تفسیری است؟

○ خیر. بنده از این که ترجمه با تفسیر همراه شود، پرهیز کرده‌ام و استنباط‌های خودم از آیات را تا حد امکان نیاورده‌ام.

● ترجمه شما پاورقی و اضافات تفسیری هم دارد؟

□ نخیر! کل پاورقی‌های این ترجمه، از ابتدا تا انتها، شاید به پنج تا شش مورد هم نرسد. در برخی از موارد، در حد ضرورت، توضیح مختصری دادم، یک کلمه فارسی را معنا کردم و پرازنزهای متعدد و طولانی در ترجمه نیاوردم، زیرا یکی از علل زیان‌بودن برخی از ترجمه‌های معاصران، همین پرازنزهای متعدد و آوردن برداشت‌های تفسیری و نادرست از ترجمه قرآن است.

● به‌طور کلی، در دوره معاصر، آسیب‌های ترجمه قرآن به فارسی را در چه می‌بینید؟ آیا تلاش کردید این آسیب‌ها را در ترجمه خود رفع کنید؟

○ بنده معتقدم باید در ترجمه قرآن به زبان فارسی، به زبان فارسی و ادبیات فارسی توجه شود. یعنی مترجم قرآن باید با زبان و ادبیات فارسی مأنوس باشد. با گنجینه قاموسی این زبان آشنا باشد. با توانایی‌ها و امکانات آن در طول تاریخ آشنا باشد. با قابلیت‌های این زبان که در طول ۱۲۰۰ سال در قالب شعر و نثر متجلی شده است، آشنا باشد و مخصوصاً ذوق و شمه شاعرانه داشته باشد، زیرا شاعر است که می‌تواند توانایی هنری زبانی را کشف و بیان کند و آن‌ها را در ترجمه نیز به کار گیرد. بنده فکر می‌کنم در آینده باید از این بُعد در ترجمه‌های فارسی کار کنیم.

● جناب عالی به عنوان یکی از فرزندان ادب فارسی معاصر، توانایی زبان فارسی را در بازگردانی قرآن به این زبان چگونه ارزیابی می‌کنید؟ هنگام ترجمه فارسی تا چه حد برای معادل‌یابی تلاش کردید؟

○ ارزیابی کار خود را به دیگران واگذار می‌کنم. من آن‌چه را در توان داشته‌ام، به کار گرفته‌ام، اما قضاوت درباره این که موفق بوده‌ام یا نه، برعهده اهل فن و خوانندگان صاحب‌نظر است.

اما معتقدم، زبان فارسی زبان نیرومندی است. اولین زبانی است که قرآن به آن ترجمه شد. ما سنت و تاریخی طولانی از ترجمه قرآن به زبان فارسی در اختیار داریم. قرآن در هر عصری به گونه‌ای به زبان فارسی ترجمه شده، و حال گنجینه‌های عظیم از تلاش مترجمان این کتاب در اختیار ماست. هیچ زبان دیگری در دنیا به اندازه زبان فارسی صاحب سنت و سابقه در ترجمه قرآن نیست. اما هنوز راه طی نشده در ترجمه قرآن به زبان فارسی باقی است. برای مثال، ما هنوز نمی‌دانیم که ترجمه دقیق اسماء‌الله به زبان فارسی چیست. در زبان فارسی، از نام‌های خداوند که در قرآن ذکر شده و در پایان آیات آمده است، هنوز ترجمه واحد و قابل اطمینانی نداریم. کلمات کلیدی در قرآن وجود دارند که محتاج ترجمه‌اند؛ برای مثال: کلمه «ذکر» در قرآن از کلماتی است که به معانی متفاوت آمده است. ما باید یک معادل فارسی برای آن بیابیم یا در هر متنی «ذکر» را با توجه به بافت جمله معنا کنیم.



دکتر حداد عادل:

بنده مفهوم آیه را گرفتم و به زبان فارسی درآوردم. سعی کردم آنچه که مفهوم آیه عربی است، از مفهوم ترجمه فارسی هم فهمیده شود. کار اصلی مترجم همین است. ما نباید اصالت را به ترجمه الفاظ بدهیم و مفهوم قربانی شود

نازل شد که هنوز نه علم کلام خوانده بودند، نه از بحث‌های پیچیده تفسیری خبر داشتند و نه متخصص فقه بودند. این مردم از قرآن چه می‌فهمیدند؟ قرآن برای آنان روشنی و جذبه‌ای داشت که توانسته بود جامعه‌ای را متحول کند. یکی از تحولات هم پدید آمدن نهضت علمی و معارف قرآنی بود که در قرن‌های بعد حاصل شد.

بنابراین نباید تصور کرد که فهم قرآن و برقراری ارتباط با معانی آن، مستلزم انواع تخصص‌های بلاغی و کلامی و تفسیری و فقهی و امثال آن هاست. قرآن برای عموم مردم نازل شد. فرض کنیم پیامبر اسلام (ص) در ایران ظهور می‌کرد و در زمان پیامبر اسلام (ص) همین زبان فارسی رایج بود، در آن صورت قرآن به چه زبانی نازل می‌شد و چه صورتی داشت؟

باید به زبان قرآن نزدیک شویم. نمی‌توانیم مدعی شویم که قرآن را به یک زبانی به فارسی ترجمه کنیم که اگر خدا می‌خواست به آن زبان نازل می‌کرد. مقصود بنده این است که همان‌طور که پیامبر (ص) قرآن را به زبان عربی برای مردم روزگارش بیان کرد، ما باید بنسب آن بگذاریم که اگر قرآن به همان شکلی که برای معاصران پیامبر (ص) بیان شده، برای مردم فارسی‌زبان هم بیان شود، بسیار سودمند است و جذبه دارد. اما مسلم است مترجم قرآن در ترجمه قرآن از مراجعه به تفسیر بی‌نیاز نیست، برای این که بعضی از آیات تحمل معانی گوناگون را دارد و مترجم بسته به این که چه برداشتی از آیه داشته باشد، آن را ترجمه می‌کند.

بنده در این موارد سعی کردم، هم به ترجمه‌های مختلف رجوع کنم - البته عرض کنم، یکی از ترجمه‌هایی که از آن استفاده کردم، ترجمه مرحوم آیت‌الله مشکینی بود. این ترجمه در واقع خلاصه تفسیر هم محسوب می‌شود - و هم به تفسیرهایی مانند المیزان و مجمع‌البیان و گاهی به تفسیرهای دیگر هم رجوع کردم. اما آن‌جا که بین مفسران اختلاف بود، بنده غالباً سعی کردم نظر مرحوم علامه طباطبایی در المیزان را اساس قرار دهم.

● آقای دکتر! سخن شما درست است. تشابهات در آیات عارضی بود که بعدها با ظهور مکتب‌های جدلی، فلسفی،

● شما «ذکر» را چه ترجمه کرده‌اید؟

○ بنده هر جایی به تناسب معنای آیه، یک معادل برایش گذاشتم.

● به صورت خاص نمونه‌هایی را بفرمایید.

○ جایی پند، جایی توجه، جایی کتاب و جایی خود قرآن گفته‌ام.

● در اسماء الله، «حکیم» را چه ترجمه کرده‌اید؟

○ «حکیم» را به فارسی برگردانده‌ام.

● چرا؟

○ من تمام ترجمه‌هایی را که در برابر «حکیم» آورده‌اند، می‌دانم. در نظر دارم در باب ترجمه حکیم به فارسی، مقاله مستقل و جداگانه‌ای بنویسم تا طرح موضوع کنم. مثلاً برای کلمه «وکیل» که در قرآن آمده است و ظاهراً جزو اسماء الله نیست - شاید هم باشد - معادل «کارگزار» را قرار داده‌اند. در جایی هم «کارساز» آمده است. همین‌طور برای کلمه «مهمین». این کلمات هنوز در زبان فارسی صورت نهایی پیدا نکرده‌اند. به هر حال، راه ترجمه، راهی است که باید ادامه پیدا کند. ترجمه قرآن به زبان فارسی باید به صورت علم دربیاید و پژوهش‌های فنی و عالمانه دقیق و عمیقی در این باره صورت گیرد.

● بعضی از الفاظ مشهور به معربات و الفاظ دخیل، از زبان‌های دیگر وارد قرآن شد؛ مثل فردوس، سندس، استبرق و سجیل. این واژه‌ها را چه‌طور ترجمه کردید؟

○ در ترجمه قرآن، زیاد به زادگاه و خاستگاه این واژگان مقید نبودم؛ البته توجه داشتم. همین توجه به مبدأ کلمات به ترجمه کمک کرد. مثلاً «استبرق» را با توجه به این که از «ستبرق» فارسی به زبان عربی وارد شده، به «دیبای ستبر» و «سجیل» را به «گل سنگ» ترجمه کردم. در سوره فیل در آیه «تَرْمِیْهُم بِحِجَارٍ مِّنْ سَجِیلٍ»، سجیل را معرب «سنگ گل» می‌دانستند. من به جای «سنگ گل»، «گل سنگ» ترجمه کردم. بعضی جاها یا اصل لغت را به کار برده‌ام یا معادل معمولی آن را که ربطی به زادگاه لغت ندارد. ولی این یکی از دانش‌های مربوط به معارف قرآنی است که در ترجمه هم باید به آن توجه داشت.

● قرآن حاوی آیات فقهی، کلامی و بلاغی است. تلاش شما در ترجمه، برای رعایت مقتضیات زبان مبدأ در زبان مقصد، تا چه حدی است؟ آیا به مبانی کلامی، فقهی و بلاغی عنایت داشته‌اید؟ آیا به مبانی تفسیری در آیات متشابه عنایت فرمودید؟ با آیاتی مانند «یدالله فوق ایدیهم» که به توضیح در پاورقی نیاز دارند، چه کردید؟ هم‌چنین، درباره آیات فقهی که شیعه و سنی درباره آن‌ها اختلاف نظر دارند یا آیات کلامی که مثلاً رؤیت خدا مطرح بوده است، چه نظری دارید؟

○ توجه داشته باشیم، این قرآن در صدر اسلام برای عرب‌هایی

معتزله و اشاعره به وجود آمدند، ولی در مجموع، آیاتی از قرآن که حاوی احکام فقهی یا کلامی است، در مواردی با اصطلاح‌های خاص همراه است که مستلزم آوردن معادل‌هایی است، مانند «إِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» (مانده / ۱۰۶) یا «أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ» (مؤمنون / ۶). به این اصطلاحات چه رویکردی داشته‌اید؟

○ بنده سعیم بر این بود که مفهوم را به فارسی برگردانم. ترجمه بنده مفهوم گراست و مقید نبوده‌ام که عین اصطلاح قرآنی را به زبان فارسی ترجمه کنم. اگر در زبان عربی برای یک مفهوم از اصطلاحی استفاده می‌شد که به زبان فارسی معمول، مفهوم و زیبا نبود، بنده آن اصطلاح را کلمه به کلمه به فارسی برگرداندم، بلکه سعی کردم مفهوم را به زبان فارسی برگردانم.

● «أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ» را چگونه به فارسی برگردانید؟

○ در ترجمه «أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ» (نساء / ۳)، گفته‌ام «کنیزان شما». ما که در فارسی «ملک یمین» نداریم. مثالی ساده‌تر بزنم. در قرآن چندین بار «هُم فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ» آمده است. عموم مترجمان گفته‌اند «ضلال» یعنی «گمراهی» و «بعید» یعنی «دور». پس «هم فی ضلال بعید» را چنین ترجمه کردند: «آنان در گمراهی دوری هستند». بعضی هم که خواستند تا حدی از قبح این تعبیر بکاهند گفتند: «در گمراهی دور و دراز هستند». بنده از شما می‌پرسم تا حالا دیده‌اید ادیب

فارسی «گمراهی» را با «دور» توصیف کند و مثلاً بگوید فلانی گمراهی دوری پیدا کرد؟ ما برای گمراهی، صفت «دور» را نمی‌آوریم. غفلت در این موارد است که ترجمه قرآن را نامفهوم و نادل پسند کرده است و باعث شده مردم در مجامع و محافل ترجمه قرآن را نخوانند و هنگام قرائت قرآن، ترجمه را بلند نخوانند یا اصلاً به زبان نیاورند.

بنده در تمام ترجمه‌ام (از اول تا آخر) سعی کردم دچار این گرفتاری نشوم. «ضلال بعید» را «در نهایت گمراهی» ترجمه کردم. فکر می‌کنم همین ترجمه درست است. وقتی قرآن می‌گوید «ضلال بعید» می‌خواهد این معنا را برساند. اگر کسی بهتر از این معادل پیدا کرد، خوش حال می‌شوم. منتظرم ببینم دیگران چه می‌گویند.

بنابراین، روش بنده این بود که در ترجمه کلمات، مفهوم آیه را بیان کنم بدون این که بخواهم ترجمه آزاد کرده باشم؛ زیرا بعضی‌ها فکر می‌کنند روش ترجمه بنده آزاد است.

● من فکر می‌کنم تلفیقی از ترجمه تحت‌اللفظی و ترجمه آزاد است.

○ اصلاً آزاد نیست.

● حضرت عالی چه عنوانی برای شیوه ترجمه خود انتخاب می‌کنید؟

○ عنوان «ترجمه مفهوم به مفهوم» را به کار می‌برم. بنده مفهوم



باید به دانش‌آموزان

بگوییم هر کلمه‌ای را که یاد می‌گیرید، هر فعلی را که صرف می‌کنید و هر عبارت عربی را که می‌آموزید، کاربرد آن را در قرآن بیابید. قرآن بخوانید، به این سبب که مسلمان باید به صورت مستمر قرآن بخواند



آیه را گرفته و به زبان فارسی درآورده‌ام. سعی کردم آن چه که مفهوم عربی آیه است، از ترجمه فارسی نیز فهمیده شود. فکر می‌کنم کار اصلی مترجم همین است. ما نباید اصالت را به ترجمه الفاظ بدهیم و مفهوم را قربانی کنیم.

● **برخی جاها در قرآن، لغزشگاه‌های ترجمه برای مترجمان بوده است.** برای مثال تقریباً می‌توان گفت، اکثر مترجمان آیاتی را که «ان» مخففه از مثقله داشته‌اند، به درستی ترجمه نکرده‌اند و بابه کارگیری الفاظی هم‌چون «گرچه»، حالت مشروطی به ترجمه داده‌اند. مثلاً آیه «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَقَىٰ ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (آل عمران / ۱۶۴)، را به درستی ترجمه نکرده‌اند. شما چنین مواردی را چه‌طور ترجمه می‌کنید؟

○ ترجمه بنده هم از سهو و خطا خالی نیست. منتها بنده تدبیری کردم. وقتی ترجمه‌ام تمام شد، آن را به مدت سه سال در معرض داوری عده‌ای از قرآن‌پژوهان و اهل فن و فضل قرار دادم. در یک چاپ مقدماتی ۱۰۰ نسخه از آن را آماده کردم و همراه با نامه‌ای به ضمیمه یک مصاحبه مفصل که مجله «ترجمان وحی» درباره ترجمه و روش کارم با من انجام داده بود، برای حدود ۱۰۰ نفر فرستادم و کار را بی‌گیری کردم. حدود ۳۰ نفر نظرشان را درباره همه ترجمه یا بخش‌هایی از آن در اختیار بنده قرار دادند.

در مجموع حدود ۱۵ هزار مورد اظهار نظر در ۳۵۰۰ صفحه تنظیم شد. با برنامه‌ای رایانه‌ای، آنها را نظم دادیم و به همه موارد رسیدگی کردیم. بنابراین، از نظر استادان و صاحب‌نظرانی که لطف کرده و ترجمه را دیده بودند استفاده کردم. در واقع، کوشیدم نقدهایی را که ممکن بود بعد از انتشار ترجمه مطرح شوند، تا حد امکان قبل از انتشار بدانم و از آنها استفاده کنم. بعد از انتشار عمومی ترجمه قرآن هم صاحب‌نظران نکته‌هایی را تذکر دادند که در چاپ دوم مختصری را اعمال کردم. در چاپ سوم نیز تعداد زیادی اصلاحات ویرایشی که متن ترجمه را بهتر می‌کند، صورت دادم و به ناشر سپردم تا اعمال کند. این روند ادامه خواهد داشت.

● **چه راهکارهایی را برای ارتقای سطح ترجمه قرآن در کشور پیشنهاد می‌کنید؟ نهضت ترجمه که به برکت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در ایران به وجود آمده، به چه فرصت‌ها و تهدیدهایی روبروست؟**

○ آسیب خاصی وجود ندارد. فضا مناسب است. به لطف الهی، نظام ما اسلامی است. بهار توجه به قرآن فرارسیده است. قرآن از طاقچه خانه‌ها و از سر سفره عقد و ختم به محیط جامعه آمده و در دانشکده‌ها، پایان‌نامه‌های قرآنی زیادی نوشته می‌شود. مجلات قرآنی در سطوح گوناگون زیاد است؛ حتی روزنامه قرآنی داریم. حفظ قرآن توصیه می‌شود. تلاوت و قرائت قرآن، توصیه و ترویج می‌شود. باید این فرصت‌ها را قدر بدانیم و خدا را شکر گوئیم.

همین که در ۳۳ سال گذشته هر سال حداقل یک ترجمه از قرآن منتشر شد، نشان می‌دهد که نوعی همت ملی با انگیزه الهی و اسلامی در جامعه ما به وجود آمده تا با برگرداندن معانی قرآن را به فارسی‌زبانان معرفی کنند. امیدوارم ترجمه بنده هم در کنار دیگر ترجمه‌ها بتواند منشأ اثری بشود.

● **برای آموزش ترجمه قرآن در مدارس چه توصیه‌ای دارید، بفرمایید.**

○ بنده تأکید می‌کنم، معلمان قرآن و عربی، دانش‌آموزان را به مطالعه قرآن همراه با ترجمه فارسی آن برای آموختن زبان عربی تشویق کنند. بهترین راه یادگرفتن زبان عربی در ایران، توجه به معانی آیات و ادعیه است. باید به دانش‌آموزان بگوییم هر کلمه‌ای را که یاد می‌گیرید، هر فعلی را که صرف می‌کنید و هر عبارت عربی را که می‌آموزید، کاربرد آن را در قرآن بیابید. قرآن بخوانید، به این سبب که مسلمان باید به صورت مستمر قرآن بخواند. در واقع، این کار تمرینی منظم برای فراگیری زبان عربی است.

وقتی جوانی در مدرسه عربی را یاد بگیرد و به صورت مرتب آن را در قرآن اعمال کند، ملاحظه می‌کند که قرآن آرام‌آرام پیش چشم او روشن می‌شود. بنابراین، هم تشویق می‌شود، هم فراموشی به سراغش نمی‌آید و هم آن چه را در کلاس و مدرسه یاد نگرفته است، به تدریج خودش از ترجمه‌های قرآن یاد می‌گیرد.

کمال مطلوب ما باید این باشد که تحصیلکرده‌های کشور در آینده قرآن را بخوانند و آن را بفهمند. برای رفتن به این سمت‌وسو باید به دانش‌آموزان توصیه کنیم که همیشه قرآن را همراه با ترجمه فارسی بخوانند.

خودم معلم قرآنم. حالا هم در دوره متوسطه درس می‌دهم. به دانش‌آموزان توصیه می‌کنم شب‌ها قبل از خوابیدن یک صفحه قرآن بخوانند و با ترجمه هم بخوانند. موقعی هم که متن عربی قرآن را می‌خوانند، سعی کنند آن چه را در کلاس یاد گرفته‌اند، در ترجمه قرآن تشخیص بدهند و به یاد بیاورند. یادآوری می‌کنم خودشان قرآن را ترجمه کنند. اگر مشکل داشتند و به مانع برخوردند، به ترجمه فارسی مراجعه کنند. باید به این کار به صورت دائم ادامه دهند، یعنی قرآن بشود کتاب بالینی جوانان ما. موقع خوابیدن و موقعی که از خواب بلند می‌شوند، حتماً و حداقل یک صفحه قرآن را همراه با ترجمه بخوانند. اگر جوان ما در مدت پنج سال به این روند عادت کند، وقتی استاد دانشگاه می‌شود، نویسنده می‌شود، متفکر می‌شود و متخصص می‌شود، قلبش قرآنی می‌شود، فکرش قرآنی می‌شود، ذهن و زبانش قرآنی می‌شود. جامعه مسلمانی یعنی همین. مسلمانی یعنی این که ما از دریچه قرآن به دنیا نگاه کنیم. ما باید به این سمت برویم.

● **از جناب عالی متشکریم.**

● **موفق باشید.**